



عنوان: بهترگزینی روش اثبات و تقویت عقاید دینی از آموزه‌های قرآنی با رویکرد تجارت

وحید سلیمی^{۱*} و محبوبه فدوی^۲

اطلاعات مربوط

به مقاله

چکیده

قرآن حاوی ارزش‌های دینی برای تعالی انسان به سعادت است. مدعا این است که آموزه‌های قرآنی همچنانکه بن‌مایه ارزش‌های دینی است؛ با بهترگزینی از آن می‌توان روش اثبات عقاید دینی را استخراج نمود. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی و با بهترگزینی از آموزه‌های قرآنی، روش اثبات عقاید دینی را با رویکرد تجارت و با بهره‌گیری از قالب‌های هنری استخراج نماید. بر مبنای آیات، سیر روش بدین صورت تعریف شد که پیش‌مقدمه نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تاجر ۱- کسب معرفت نفس (شناخت استعداد، ظرفیت‌ها، ابعاد وجودی و موقعیت انسان در جهان هستی)؛ ۲- کسب بینش توحیدی (شناخت مبدأ و نسبت خود با خالق هستی)؛ ۳- معادباوری (شناخت مقصد و ترسیم مسیر سعادت در جهان هستی) است. پس از تحقق این سه مرحله، اعتقادات باید از طریق استدلال عقلی و علمی اثبات شود و رسوخ پیدا کند که در این حالت زمینه پذیرش صفات حسنه در تاجر تسهیل می‌شود.

کلید واژگان

بهترگزینی،
تجارت، اثبات عقاید
دینی، آموزه‌های قرآنی،
قالب هنری

^۱. مربی شهید مهاجر، اصفهان، ایران v.s.2200466@gmail.com

^۲. استاد دانشگاه خوارسگان، اصفهان، ایران m.fadavi@khuisf.ac.ir

مقدمه

در عصر حاضر ارزش های دینی حاکم بر محیط های کاری از جمله محیط تجاری از اهمیت روزافزونی برخوردار است به طوریکه "بعد از رسوایی شرکت های بزرگی مانند انرون و تایکو، هیئت مدیره بسیاری از شرکت ها بر تأثیر ارزش ها بر رفتارهای کارکنان تأکید زیادی کردند. هر چند چالش بقای سازمان ها در شرایط اقتصادی سخت، توجه رهبران را از فرهنگ و ارزش ها منحرف کرده است، اما مدیران بر این باورند که ارزش های سازمان یعنی هنجارهای اصلی برای تعریف رفتارهای مناسب و نامناسب و استانداردهایی که باید در تصمیم گیری و فرایندهای مختلف سازمان لحاظ شوند، اهمیتی به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی دارد." (Benedetto, ۲۰۱۵)

در عصر حاضر ارزش های دینی حاکم بر محیط های کاری از جمله محیط تجاری از اهمیت روزافزونی برخوردار است به طوریکه "بعد از رسوایی شرکت های بزرگی مانند انرون و تایکو، هیئت مدیره بسیاری از شرکت ها بر تأثیر ارزش ها بر رفتارهای کارکنان تأکید زیادی کردند. هر چند چالش بقای سازمان ها در شرایط اقتصادی سخت، توجه رهبران را از فرهنگ و ارزش ها منحرف کرده است، اما مدیران بر این باورند که ارزش های سازمان یعنی هنجارهای اصلی برای تعریف رفتارهای مناسب و نامناسب و استانداردهایی که باید در تصمیم گیری و فرایندهای مختلف سازمان لحاظ شوند، اهمیتی به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی دارد." (Benedetto, ۲۰۱۵)

دین اسلام به عنوان یک نظام همه جانبه، برای تمام ساحت ها و ابعاد وجودی انسان برنامه و دستور العمل دارد و با پایه ریزی جامعه بر اساس مبانی ارزش های انسانی و معنوی، دارای نقش محوری در ترسیم ساختارهای اجتماعی است. آگاهی و عمل به این فرامین سعادت و کمال انسانی را به ارمغان خواهد آورد و رسیدن به این هدف، نیازمند اتخاذ مسیر و شیوه ای صحیح است. بر خلاف مکتب های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نظامی و اقتصادی نظارت دارد و نه تنها از هیچ نکته ای که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فرو گذار ننموده است بلکه موانع و مشکلات سر راه تکامل فرد و اجتماع را گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. در حوزه اجتماعی، به دنبال پی ریزی جامعه ای است که در آن، ارزش ها و اصول انسانی و معنوی حاکم باشد و این ارزش ها در روابط اجتماعی افراد از خانواده، تا سطح کلان جامعه، تبلور پیدا کند: (اوست آنکه بر بنده اش محمد(ص) آیاتی روشن از قرآن را که بیانگر احکام دین است، فرو می فرستد تا شما را از تاریکی ها بیرون آورد و به سوی نور روانه سازد) (حدید، ۹) بدیهی است که برای تشکیل چنین جامعه ای، باید ساختاری متناسب با آن، ترسیم و پایه ریزی شود. از دیدگاه شهید مطهری "اشتباه است اگر بخواهیم برای جلوگیری از وقوع یک جرم فقط روی به مجازات بیاوریم. مجازات در مورد افراد غیر عادی به طور عادی که از روی حالت طغیان جرمی را مرتکب می شوند صورت می گیرد. اسلام راه های متعددی از جمله تربیت برای جلوگیری از جرم و گناه دارد؛ بدین صورت که اصول زندگی را بر مبنایی قرار می دهد که موجبات گناه پیدا نشود" (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۰-۶۸).

نهادینه سازی اعتقادات دینی تاجر مورد تأکید قرآن است "مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می شود" (نور، ۳۷) خداوند در این آیه به جای اینکه بگوید مردانی که به هنگام انجام فرایض دینی از تجارت دست می کشند و به جای تجارت به ذکر خدا مشغول می شوند؛ می فرماید آنها در محیط کسب و کار و همزمان اشتغال به تجارت، از اعتقادات محکمی برخوردارند. نکته لطیف که از این آیه استنباط می شود این است که ("تجارت" اشاره به یک کار مستمر و مداوم است، ولی "بیع" برای یک مرحله و به صورت گذرا است) (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۵/۱۷۷) تأکید قرآن بر نهادینه سازی ارزش های دینی و اعتقادات نه تنها در تجارت (معامله گری مستمر تاجر) است بلکه در بیع (معاملات تجاری غیر مستمر) نیز صادق است؛ بطوریکه پیوسته بینش توحیدی و معادباوری توأم با انجام بیع و تجارت است و تقابلی میان آنها مشاهده نمی شود.

درونی سازی ارزش های دینی امور مطلوب در سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق است که در این نوشتار صرفاً به روش اثبات عقلانی و تقویت عقاید دینی با رویکرد تجارت و با بهره گیری از قالب های هنری پرداخته می شود. بدون شک تقید افراد به ارزش های دینی در تمام ابعاد جامعه از جمله فعالیت های تجاری در حفظ سلامت و پیشرفت مادی و معنوی را برای افراد جامعه به ارمغان می آورد. دین با شناساندن مبدأ، مقصد و هدف زندگی، الگوی رفتاری خاصی را برای پیمودن مسیر زندگی به انسان می دهد و به زندگی معنا می بخشد.

رسوخ عقاید دینی در ایجاد ثبات در شخصیت افراد و حیات اجتماع به عنوان عاملی تأثیرگذار می باشد. شناخت و رشد یک برند تجاری، افزایش اعتماد به کالا و خدمات تجاری، حفظ و افزایش مشتری، افزایش سرمایه گذاری زمانی مورد انتظار است که ارزش های اخلاقی در محیط تجارت تجلی یابد که از نتایج آن، رونق کسب و کار است. از این رو اثبات و تقویت عقاید دینی در تاجر ضروری به نظر می رسد. نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است: ۱- با بهترگزینی از آموزه های قرآنی چه روش هایی برای اثبات و تقویت عقاید دینی در تاجر بر مبنای استدلال عقلی و علمی وجود دارد؟ ۲- با بهترگزینی از آموزه های قرآنی از چه قالب های هنری می توان برای اثبات عقلانی و تقویت عقاید دینی در محیط کسب و کار بهره برد؟

ادبیات پژوهش

-ارزش: همان اعتباراتی هستند که انسان ها به نوعی در مقام عمل به آنها پای بند هستند. سعادت و سلامت جامعه در گرو تحقق انسانیت واقعی، و انسانیت واقعی در گرو شناخت و عمل به ارزش های اصیل انسانی، به ویژه ارزش های دینی و اخلاقی است. (رهنمایی، ۱۳۹۸: ۵۰) منظور از ارزش های اخلاقی در این پژوهش عبارت است از "مجموعه قواعدی که رفتار انسان را در زندگی شخصی و همچنین زندگی اجتماعی هدایت می کنند (محسنی، ۱۳۷۱: ۲). به عبارت دیگر ارزش های اخلاقی مجموعه ای از اوصاف و فضایل و در نهایت رفتارهای است که تاجر بعنوان یک مسلمان باید داشته باشد و دوری از مجموعه ردایلی است که نباید داشته باشد.

-هنر: محمد قطب در تعریف هنر می گوید: «هنر کوشش بشری است برای تصویر تأثیرات ناشی از حقایق هستی که در حس ایجاد شود، تصویری زیبا و زنده و مؤثر و کوششی است برای صورت لذت بخش که زیبایی را نمودار می سازد» (محدثی، ۱۳۶۵). در این نوشتار، منظور از قالب های هنری "مجموعه ای از فرایندها در شیوه جذب مخاطب با هدف نهادینه سازی ارزش های دینی و ضریب نفوذ تربیتی مؤثرتر است که در جهت اثرگذاری بر عواطف و هوش انسانی و به منظور انتقال یک مفهوم (ارزش های اخلاقی) خلق می شوند و می تواند عمیق ترین ابعاد شخصیت تاجر را با تغییر و تحول بارز مواجه سازد". منظور از "قالب اجرای روش" در این نوشتار این است که برای اجرای صحیح این روش نیاز به شرایط و فضای مطلوبی است. به این فضا و شرایط مطلوب قالب اجرای روش گویند. به عنوان نمونه در قالب اجرای اردو می توان با طراحی یک برنامه ریزی منسجم تربیتی، مفاهیم اعتقادی را برای تاجر در دل طبیعت بصورت میدانی تبیین نمود.

-بهترگزینی: یکی از رویکردهای مستخرج از آموزه های قرآنی که می توان برای ارتقای جامعه از جمله رفع چالش های تجاری و اقتصادی از آن بهره جست "بهترگزینی (بنچ مارکینگ)" است. بهترگزینی واژه ای است که از حوزه صنعت و تجارت اقتباس شده و به ویژه در زمینه های مدیریت استراتژیک کاربرد دارد. مراد از آن "رفتار متواضعانه برای پذیرش برتری دیگران در یک موضوع خاص و نیز رفتار عاقلانه برای رقابت و برتری جستن بر آنها در همان موضوع است" (کمپ، ۱۹۹۸). هدف بهترگزینی عبارت است از "شناسایی و تحصیل استانداردهای عالی و انطباق رویه ها و فرایندهای سازمانی با الگوهای برتر در آن زمینه" (سینق و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین، هدف از انجام آن تلاش مستمر برای بهبود عملکرد از طریق مقایسه با الگوهای برتر است. باتوجه به اینکه قرآن کتاب هدایت است (بقره، ۲) و هرآنچه از نیازمندی های این هدایت است از جمله بیان ارزش های دینی و به تبع آن راه های اثبات عقاید دینی در آن ذکر شده

است (نحل، ۸۹) بنابراین در این تحقیق، بهترگزینی روش های اثبات عقاید دینی تاجر از آموزه های قرآنی استخراج می شود؛ بهتر گزینی به لحاظ روش (استفاده از استدلالات عقلی و علمی)؛ به لحاظ بهره گیری از ابزار تسهیل در اثبات عقاید (قالب های هنری مطروح در قرآن) و نیز به لحاظ سیر اثبات اعتقادات دینی از آیات قرآن.

۱-۱- بهره گیری از قالب های هنری در فرایند اثبات و تقویت اعتقادات دینی تاجر

عوامل متعددی در فرایند اثبات اعتقادات و درونی سازی ارزش های اخلاقی نقش ایفا می نمایند. بهره گیری از ظرفیت بالای هنر در آموزش اثربخش اخلاق اسلامی و نهادینه سازی آن مورد توجه و استفاده آموزه های قرآنی می باشد. بنابراین استفاده از هنر یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در اثبات عقاید دینی است. علامه امینی در نقش و تأثیر شعر می نویسد: «تأثیر شعر خوب و زیبا را بالاتر از هر دعوت و تبلیغی می یابی» (امینی، ۱۳۶۸، ۲: ۲) قرآن کریم برای نهادینه سازی ارزش های دینی از ظرفیت هنر در قالب های گوناگونی بهره برده است که در زیر به مواردی از آن اشاره می شود.

۱-۱-۱- داستان: یکی از قالب های هنری که در آموزه های قرآنی مورد استفاده قرار گرفته، داستان در مسیر تعلیم و ترویج مفاهیم و ارزش های اخلاقی است. بعنوان نمونه داستان دیدار موسی و خضر، اسرار و اطلاعات اصلی تاپایان داستان از خواننده پنهان می ماند و حس کنجکاوی و گرفتن جواب پرسش هایی که در داستان ایجاد شده، خواننده را تا آخر داستان می کشاند. در پایان داستان گره های بسته گشوده می شود و به پرسش های متن پاسخ داده می شود. در واقع این داستان، یک مسیر پر فراز و نشیبی را طی می کند تا به نقطه اوج و قله اصلی برسد. قرآن کریم درباره کارکرد داستان می فرماید «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَحْنُ بِهٖ فُؤَادِكُمْ» (هود، ۱۲۰) "هر خبری از اخبار پیامبران را برای حکایت می کنیم تا تو را قوی دل گردانیم". علامه طباطبایی در تفسیر این آیه چنین آورده است "قصه و اخبار گذشته موجب افزایش یقین، تسکین دل، ثبات نفس، قوت اراده، اطمینان، تحکیم و استواری قلب می گردد." (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹۶/۱۱) بیان سرگذشت اقوامی همچون قوم شعیب که در گذشته به دلیل سرپیچی از قوانین تجاری و اقتصادی اسلام دچار عذاب الهی شدند می تواند در تقویت معادباوری تاجر مؤثر باشد.

۱-۱-۲- تمثیل

یکی دیگر از موارد استفاده از هنر در آموزه های قرآنی استفاده از قالب تمثیل است. «مثل» بیان یک موضوع به صورت دیگری است، به نوعی که بین آن دو شباهت وجود داشته باشد و با بیان آن، موضوع اول روشن تر گردد. «مثل» آنچه را که پوشیده و نامعلوم است، آشکار می کند. (احمدی، ۱۳۶۴: ۱۳۰) می توان از مثال جهت بیان اغراض حقیقی استفاده کرد و با ترسیم معقولات به شکل محسوسات، درک مفاهیم ارزشی را برای مخاطب ممکن ساخت. مثال های قرآن دارای فواید تربیتی با ترکیب های هنری متفاوت می باشد؛ بعنوان نمونه در آیاتی با این ترکیب، موصوف به گونه ای است که نباید در معنای سطحی مثال ها توقف کرد، بلکه با اندیشیدن درباره آنها بایستی به معانی عمیق آنها پی ببرد. "ای کسانی که ایمان آورده اید! بخشش های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشاندن شود)؛ و رگبار باران به آن برسد (و همه خاکها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند" (بقره: ۲۶۴). به منظور تفهیم اهمیت انفاق و نهادینه سازی در ذهن مخاطب، در قالب هنری، اینچنین رابطه میان انفاق و رشد آدمی را تمثیل به دانه گندم بیان کرده است "کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند" (بقره، ۲۶۱)

۱-۱-۳- نمایش: به عنوان نمونه ای از هنر نمایش، آیاتی از قرآن بزم دوستانه ای از بهشتیان را در یک مجمع عمومی پیاده سازی می کند (یطوفون علیهم ولدان مخلدون؛ باکواب و اباریق و کأس من معین) (واقعه، ۱۸-۱۷) "مجلسی آراسته است، دوستان به دور هم حلقه زده اند، وسایل پذیرایی از هر جهت آماده و آراسته؛ نوجوانانی زیبا و جاوید با

کوزه‌های مخصوص و لیوان‌هایی خواستنی در آن طواف می‌کنند و پذیرایی می‌نمایند؛ کاسه‌هایی پر از نوشیدنی‌هایی خوش‌گوار یکی پس از دیگری در گردش است" استدلال‌ات عقلی را می‌توان در قالب نمایش تئاتر، فیلم، پرده نما و قالب‌هایی از قبیل برای تاجر به تصویر کشید.

۱-۴- برگزاری نمایشگاه: تاجر با نیم‌نگاهی به آیاتی که در آن از مظاهری همچون کوه، دریا، صحرا، ستاره‌ها، آسمان، خورشید، نور و ظلمت، رویدادن گیاه و غیره یاد شده این نکته را در می‌یابد که در نمایشگاه هستی همه این تابلوهایی بدیع به صورتی زنده، متحرک و زیبا، گویا صحنه‌ی نمایشی است با درونمایه‌ای پر محتوا که در نهایت به او آموزشی می‌دهد، به تفکر وامی‌دارد و یا بینش و بصیرتی عطا می‌کند که در آن ترتیبی نیکو نهفته است. نمونه‌ای از نمایشگاه‌های گسترده و طولانی همان داستان رویدادن گیاه که به سرعتی برق‌آسا و پرشتاب از آن یاد می‌شود و در پرده‌ای دیگر به آرامی به نمایش در می‌آید «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَيَتْرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ» بادهای انقلاب می‌کنند و در آسمان ابرها را با طوفان پرشتاب تشکیل می‌دهند همان‌گونه‌ای که او می‌خواهد که سرانجام این ابرها روی هم انباشته می‌گردند و در نتیجه باران از لابه‌لای آن بیرون می‌جهد از آسمان به زمین فرو می‌ریزد و سرانجام مردم بعد از ناامیدی به یکدیگر بشارت می‌دهند و بعد این آب را در دل زمین به صورت چشمه‌سارها جاری می‌سازد کشتزارهای گوناگون از آن بیرون می‌آید - شاداب و خوش‌رنگ و در حال رسیدن شاداب و بعد خشک می‌شوند.

۱-۵- طراحی فرانامه (سناریو): در این نوشتار منظور از فرانامه "طراحی نظام مند از سلسله رویدادهایی در قالب هنر که در آینده قرار است به منظور اثبات و تقویت عقاید دینی برای تاجر رخ دهد" است. این روش برگرفته از روش ابراهیم علیه‌السلام برای اثبات عقیده امت خود است (انبیاء، ۵۷)؛ قرآن کریم بهره‌گیری از این روش را اینگونه گزارش می‌کند: ابراهیم علیه‌السلام به عنوان یک جوان داعی توحید به معرفت پروردگار وارد میدان دعوت در یک جامعه شرک‌آلود شد؛ اما دل‌های افراد جامعه خواب و مغزها متحجر شده بود. در حالی که ابراهیم علیه‌السلام، به تدبیر الهی باید تکانی به دل‌ها و فکرهای مردم می‌داد تا در سایه این تکان شدید، بتواند توحید را به اعماق جان مردم برساند. آن تکان شدید اینگونه به وجود آمد که ابراهیم علیه‌السلام بتخانه و مرکز ایمان جاهلانه را با طراحی سناریو سیر حرکت بیداری مردم به هم بریزد. سناریو این گونه آغاز شد که وی وارد بتخانه شد، "بت‌ها را شکست و تنها بت بزرگ را سالم نگاه داشت؛ برای این که از همین نقطه بتواند استفاده کند و ذهن‌ها را متوجه حقیقت سازد. بعد از آن که مردم فهمیدند این حرکت، کار ابراهیم است به او گفتند: آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟ ابراهیم علیه‌السلام به آنها جواب داد: «اگر بت‌ها حرف می‌زدند از خودشان بپرسید؛ متعاقب این تکان شدیدی که آنها داد، خواست ذهنشان را متذکر کند و به آنها ذکر بدهد. (انبیاء، ۶۷-۵۸) هرچند در طراحی استفاده از قالب‌های هنری توجه به شرایط زمانی و مکانی، امکانات، عرف اجتماعی، شرایط کلی تاجر اعم از جنسیت، تحصیلات، سن و غیره اجتناب ناپذیر است.

۲-۱- روش‌های اثبات عقاید دینی

در دین اسلام اعتقادات اصول دین از طریق استدلال عقلی اثبات می‌شود و تقلید جایز نیست. با این توضیح که نیروی خرد قابل رشد و تعالی است و در اثر به کار بستن روش‌های عاقلانه تقویت شده و کمال خواهد یافت. اسلام، تربیت عقل را با تعیین میدان تفکر و عرصه‌ای که عقل می‌تواند در آن جولان دهد، آغاز می‌نماید؛ سپس نیروی عقل را از طریق استدلال و کشف حقیقت تمرین می‌دهد و برای این موضوع از دو وسیله استفاده می‌نماید: "اولاً روش‌های تفکر

به دست می‌دهد و ثانیاً تدبیر در قوانین طبیعت و دقیق بودن و پیوستگی آن‌ها را با یکدیگر گوشزد می‌کند. در این زمینه اسلام عقل را طوری پرورش می‌دهد که به دقت نظر و انضباط و نظم عادت نماید". (حجتی، ۱۳۹۸) بنابراین برای نهادهای سازی ارزش‌های دینی در تاجر، ابتدا باید اعتقادات دینی در تاجر با ادله عقلی و علمی اثبات شود و سپس این اعتقادات در باور وی رسوخ نماید. "مهمترین مسئله در جهان بینی شناخت مبدا، شناخت معاد و شناخت رابطه انسان با مبدا و معاد است" (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۶۴) با عنایت به فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتاب آسمانی، ارزش‌های دینی را می‌توان آموزش داد و نهادهای ساخت؛ اما نکته مهم چگونگی نهادهای سازی ارزش‌ها است. در همین راستا پیش مقدمه نهادهای سازی ارزش‌های دینی در تاجر ۱- کسب معرفت نفس (شناخت استعداد، ظرفیت‌ها، ابعاد وجودی و موقعیت خود در جهان هستی)؛ ۲- بینش توحیدی (شناخت مبدأ و نسبت خود با خالق هستی)؛ ۳- معادباوری (شناخت مقصد و ترسیم مسیر سعادت در جهان هستی) می‌باشد. (شکل ۱-۱)

۱-۲-۱- ایجاد معرفت نفس (خودشناسی) در تاجر (مقدمه اثبات عقاید دینی)

"مسئله خودشناسی از مسائل مهمی است که توجه به آن به لحاظ کارکرد در آیات قرآن مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ از جمله در آیه (وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (ذاریات: ۲۱)؛ «در وجود خود شما [نیز آیاتی است]؛ آیا نمی‌بینید؟» ایجاد معرفت نفس در تاجر اولین گام در نهادهای سازی اعتقادات بعنوان "یکی از عوامل بسیار مؤثر در تحولات مختلف در مبادی فعل خصوصاً مرحله شوق و انگیزش و در پی آن تحولات مختلف در افعال است" (مصباح یزدی، انسانشناسی در قرآن، ۱۳۹۲: ۱۶۳) خودشناسی موجب تنظیم ارتباط انسان در ابعاد چهارگانه ارتباط انسان با خداوند، جهان هستی، سایر انسان‌ها و خویش می‌گردد. خودشناسی در ارتباط با خداوند موجب تنظیم ارتباط انسان با خداوند می‌شود و انسان را به خداشناسی می‌رساند. خودشناسی بدان معناست که انسان به تامل درباره خود بپردازد و صفات، استعدادها و ملکات مثبت و منفی خود را در قدم اول بشناسد و در قدم دوم به یک سازندگی اصولی دست بزند. مسلم است که انسان تا از شناخت صفات و ملکات خود غافل باشد، نمی‌تواند به اصلاح خود بپردازد. اگر کسی خویش را به حقیقت وجودی خوب بشناسد، خدا را خوب خواهد شناخت و خواهد فهمید که نه وجود و نه شئون او از آن او نیست و این که انسان یکی از آیات الهی است. علامه طباطبایی به سبک تربیتی اخلاقی خاص قرآن کریم اشاره می‌نماید و آن توجه به معرفت الله و اسماء و صفات الهی است؛ بنابر نظر ایشان "قرآن کریم با تکیه بر برخی صفات و اسماء الهی رذائل اخلاقی را از ریشه درمان می‌نماید؛ برای مثال معرفت دهی به مالکیت حقیقی خداوند نسبت به همه هستی همچنین معرفت دهی به اینکه قدرت، عزت، رزق تنها در دست خداست منجر می‌شود زمینه ای برای بروز رذائل همچون ریا، ترس از غیر خدا، امید و توکل به غیر خدا در او وجود نداشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱/ ۵۳۹) خودشناسی در ارتباط با سایر افراد سبب می‌شود انسان گرایش‌های معنوی موجود در فطرت خویش را بارور کند و به تکامل اخلاقی دست یابد. از گرایش‌های معنوی فطرت انسان، ارزش‌های دینی است که در تنظیم و بهبود روابط میان انسان‌ها و نیز رعایت حقوق دیگران مؤثر است. خودشناسی در ارتباط با خویش موجب آگاهی انسان از استعدادها و کمالات وجودی خویش و نیز اوصاف و رذایل اخلاقی نکوهیده‌اش می‌شود. این خودآگاهی به انسان کمک می‌کند تا از طریق خودسازی و تهذیب نفس، بر جنبه‌های منفی وجودش غلبه کند و در مسیر تعالی اخلاقی و تکامل معنوی خویش گام بردارد و نیز به رعایت حقوق دیگران در جامعه پایبند باشد. (سلیمی، ۱۴۰۲: ۸۹)

تفکر و عبادت راه کسب معرفت نفس

«تفکر» از ریشه «ف ک ر» در لغت به معنای تأمل و در اصطلاح، تصرف قلب در معانی اشیا برای ادراک مطلوب است. (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۹، ۱۲۶ - ۱۲۷) حقیقت تفکر و اندیشیدن مرکب از دو حرکت است: اول حرکت به سوی مقدمات هر مطلب؛ دوم حرکت از آن مقدمات به سوی نتیجه. مجموع این دو حرکت که سبب شناخت و معرفت اشیا می شود «فکر» نام دارد. (طریحی، ج ۳، ۴۲۲ - ۴۲۳) اندیشیدن، مطلوب خداوند حکیم است. خداوند در بیش از سیصد آیه انسان را به تفکر، تدبّر، تعقل و تذکر دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۷/۳) تفکر در خلقت آسمان و زمین و نظم دقیق در آفرینش، انسان را به عظمت خداوند و جایگاه خود در مجموعه عالم هستی آشنا می کند. انسان با تعقل و تفکر ارزش، اندازه و قابلیت خود را درک می کند و از این رهگذر به نقش خود در هستی آگاه می شود. "اندیشیدن در خلقت و آفرینش خدا انسان را به شگفتی وامی دارد" (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۴). ملازمه چنین اعجابی، فرو آوردن سر تسلیم و اعتراف به حقارت و بندگی است. در نتیجه ارکان عبودیت تقویت شده، عابد به معبود می پیوندد. آن چه در آیات و روایات در باب ارزش تفکر به چشم می خورد، تفکری است که انسان را از حالت ایستایی بازستاند و به حرکت و پویایی درآورد «آیا پیش خود فکر نمی کنند که خدا آسمان ها و زمین و هر چه در بین آن ها است همه را جز به حق و به وقت معین نیافریده است؟» (احقاف، ۳) حاصل چنین تفکری، انسان ساز است؛ آن گاه از سطح غریزه های نفسانی برتر آمده و به حد تأمین نیازهای معنوی می رسد و راه عبودیت و بندگی را به بهترین شکل می نمایاند و به این نکته دست می یابد که آرامش راستین همان انس با خدا (رعد، ۲۲) و تبعیت از فرمان های اوست، بدین صورت که سعادت و کمال انسان که همان ظهور فعلی کمالات الهی در او است، منوط به عبادت است و تنها از این طریق است که صفات و کمالات الهی در او ظهور می کند. "و به انسان ها هیچ ماموریتی ندادیم مگر اینکه در دنیا خالصانه خداوند را عبادت کنند" (بینه، ۷) بنابراین خروجی تفکر صحیح عبادت خداوند است. "من جن و انس را نیافریدم، جز برای این که عبادت کنند" (ذاریات، ۵۶) علامه طباطبایی معتقد است "عبادت غرض از خلقت انسان است و کمالی که عاید انسان می شود. برای عبادت غرضی از قبیل معرفت در کار است، معرفتی که از راه عبادت و خلوص در آن حاصل می شود" (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۸/۵۸۰) علامه نیز منظور از «لیعبدون» را به معنای «لیعرفون» دانسته است (همان) یعنی هدف از خلقت شناخت و معرفت است. نماز برای هویت یابی است؛ انسان وقتی در برابر پروردگار متعال اقرار می کند (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) (حمد، ۵) خدا من بنده تو هستم، هویت من این است، تمام وجودم از توست و در گرفتاری ها به این نتیجه می رسم که همه کاره تو هستی. انسان بسیار ضعیف آفریده شده و چون آسیب پذیر است در نماز خود را باید به قدرت برتر وصل کند و اگر متصل نشود در طوفان حوادث، محو می شود. بنابراین معرفت نفس محصول عبادت خالصانه ای همچون نماز است.

تفکر در عظمت وجودی و ظهوری انسان، کمال انسان و انسانیت و معیارهای آن، رابطه انسان با خدا و راه کمال انسان، جایگاه انسان در آفرینش و خلیفه الهی، ولایت انسان، هدف زندگی و خلقت انسان. خروجی این تفکر، خودشناسی است که به تمام کارها و اعمال انسان معنی و جهت می دهد یعنی معرفت زایی ناظر به کارکرد عقل است و سنجش گری ظرفیت قابل توجه عقل است. "بدترین جنبندها نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند" (انفال، ۲۲) اگر آیاتی، عقل و انسان را به طبیعت و زمین و زمان و آسمان ارجاع می دهد، نه اینکه به معنای ظاهر باشد، بلکه عقل از این طبیعت باید پی به مسائل خودشناسی ببرد. به دیگر سخن، تعقل ظاهرنگرانه در قرآن وجود ندارد و این ارجاع به طبیعت بی جان نیست، بلکه این طبیعت هدفمند است و مراجعه به آن انسان را به معنای دیگری ارجاع می دهد. امام رضا علیه السلام بالاترین درجه خرد را خودشناسی دانسته و تفکر را همچون آینه ای برای شناخت خوبی ها و بدی های انسان معرفی می کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۲/۷). بنابراین خروجی تفکر صحیح معرفت نفس است.

اسلام دینی برپایه عقل و تفکر است که گرچه به عبادات بدنی مانند نماز و روزه و غیره دستور می دهد اما بخش اعظم ایمان را در تعقل و تفکر جستجو می کند. هر تفکری عبادت نیست، بلکه تفکری که در احادیث اسلامی برای آن

فضیلت بسیار وارد شده، تفکری است که در مسیر تکامل معنوی انسانی باشد؛ خدا به انسان نیروی فکر و تعقل داد که ابتدا خود را بشناسد تا بعد از آن در احوال هستی تدبّر و تفکر کند. تفکر حقیقی به ارتباط و عبودیت واقعی خداوند منتهی می‌شود زیرا حاصل چنین تفکری، انسان ساز است. در حدیث نبوی است که "تفکر یک ساعت از عبادت شصت سال بهتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۵/۶۸) تفکر صحیح است که انسان از خواب غفلت بیدار می‌شود؛ مانند تصمیم «حر» در کربلا که نتیجه تفکر چند دقیقه ای او بود و معادل ارزش چند سال عبادت است. بنابراین نتیجه معرفت نفس در بستر تفکر حقیقی، عبودیت و عبادت خداوند است.

وقتی تاجر به این معرفت رسید که خالق او خداوند حکیم است و برای هدفی والا که رسیدن به عبودیت است آفریده شده است از این زمان به بعد، تنها فعلی که او را به این هدف عالی نزدیک کند منفعت می‌داند و هر فعلی او را از این هدف دور کند مضر می‌داند؛ چنین شخصی هرگز فعلی را که به زندگی اخروی او ضرر می‌رساند مثل کسب درآمد به هر طریق ممکن (کم فروشی، ربا، دروغ، نقض ایمان و کیل) را دارای منفعت نمی‌داند و وجود فائده در آنها را تصدیق نمی‌نماید. بنابراین مبادی فعل در او تحقق نمی‌یابد و مرتکب آن عمل قبیح نمی‌گردد. در یک جمع بندی می‌توان گفت کسب معرفت نفس در تاجر زمینه پذیرش اعتقادات دینی را مساعد می‌کند. تاجر پس از کسب معرفت نفس و از رهگذر تفکر صحیح می‌تواند سنگ بنای پایه های اعتقادی خویش را بنا نهد؛ بدین صورت که تفکر در صفات خداوند و نحوه تاثیر گذاری خداوند بر هستی و انسان سبب دست یابی به بینش توحیدی است. تاجر با تفکر در معاد و نحوه ظهور توحید و شرک در قیامت؛ اتفاقاتی که برای انسان بعد از مرگ می‌افتد؛ عالم برزخ و بقای روح؛ تولد ثانی و زندگی پس از مرگ به معاد باوری می‌رسد.

۱-۲-۲- ایجاد بینش توحیدی و معادباوری در تاجر: «توحید» در لغت یعنی یگانه گردانیدن، یکی کردن،

حکم به واحد بودن چیزی دادن و در اصطلاح به معنای یکی دانستن خدا، به خدای یگانه ایمان داشتن، یگانه پرستی و یکتا پرستی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۲۳۲/۵) مشی قرآن در تربیت آدمی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی، رساندن انسان به توحید در زمینه اعتقاد به عمل است. ریشه تمام عقاید و افکار پاک و اعمال صالح توحید است توحید همچون ریسمانی است که همه دانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد "مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶: ۱۵۹/۲) از نگاه مقام معظم رهبری "معنای «توحید» صرفاً یک نظریه‌ای فلسفی نیست، بلکه یک نظریه زیر بنایی در مورد انسان و جهان و نیز یک دکترین اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است. از دیدگاه ایشان در میان واژه‌های مذهبی و غیر مذهبی، کمتر واژه‌ای می‌توان یافت که تا این حد سرشار از مفاهیم انقلابی و سازنده و ناظر به ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی و تاریخی انسان باشد، و به همین دلیل، همه دعوت‌ها و نهضت‌های الهی در طول تاریخ با اعلان یگانگی خدا و ربوبیت انحصاری او آغاز گردیده است (خسروپناهی، ۱۳۹۸: ۱۱۱/۱). اخلاق و اعتقادات به دلیل رابطه متقابل صفات نفسانی و عقاید انسانی، بر یکدیگر مؤثرند. به تعبیری امر توحید در افراد جامعه و روابط انسانی منجر به بروز فضایل اخلاقی می‌شود. باورهای توحیدی هستند که در صورت درونی شدن، در افراد جامعه ملکات نفسانی مستعد برای بروز رفتارهای حسنه و مطابق با اخلاق توحیدی را فراهم می‌آورند. حضرت شعیب (ع) تبیین می‌کند که چگونه توحید می‌تواند در امور تجاری و مدیریت آن عدالت را برپا داشته و تقویت نماید، به گونه ای که افراد و اشخاص جامعه توحیدی همواره روابط اقتصادی خویش را برپایه موازین پذیرفته شده عقلانی و شرعی سامان می‌دهند، از تعدی به حقوق دیگران پرهیز می‌کنند و راه قسط و عدالت را می‌پیمایند این اصل آن چنان در حوزه اقتصادی کارکرد عدالت گرایانه دارد که قرآن در مواردی به توحید برای تقویت و تحکیم روابط سالم اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌ورزد؛ بدین صورت که به یکی از مفاصل اقتصادی که از روح شرک سرچشمه می‌گیرد و در آن زمان در میان اهل مدین سخت رائج بود اشاره کرده است "و بسوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمان‌ه و وزن

را کم نکنید و دست به کم‌فروشی نزنید" (هود، ۸۴). "هر گونه اصلاح اجتماعی و اخلاقی بدون توحید میسر نخواهد بود." (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶: ۲۰۱/۹) بنابراین ایجاد بینش توحیدی در تاجر موجب التزام عملی به کسب صفات اخلاقی در تمام امور از جمله در فعالیت تجاری می‌شود و التزام تاجر به باورهای توحیدی ریشه نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی است.

تمام امور دینی از اصول و فروع مبتنی بر دو امر است؛ یکی تصدیق به مبدأ و دیگری تصدیق به معاد است. اگر توحید به معنای یگانگی و مدبر بودن خداوند در میان شرایع و سطح زندگی نمودار نباشد، انسان دچار شرک خواهد شد و این ناسازگار با باور به معاد به معنی جریان داشتن زندگی پس از مرگ می‌باشد. بر مبنای آیه (و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لالعین) (انبیاء، ۱۶) "ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم" اگر کسی خدا را بشناسد به عنوان یک موجود کامل الذات، به عنوان یک موجود منزله از لعب و عبث و فعل باطل. و به عنوان یک موجود حکیم، آن وقت می‌داند که قیامت و عالم بقا نمی‌تواند نباشد (مطهری، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۲۷-۱۲۲) بنابراین توحید و معاد لازم و ملزوم هستند "معبود شما خداوند یگانه است؛ اما کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان حق را انکار می‌کند و مستکبرند" (نحل، ۲۲) به تعبیر علامه طباطبائی آیه درصدد بیان این مطلب است که "توحید کامل زمانی ایجاد می‌شود که شما نه فقط به مبدا واحد معتقد باشید بلکه باید به معاد هم معتقد باشید وگرنه اگر کسی معتقد به خدا باشد ولی آخرت را قبول نداشته باشد در حقیقت در اعتقاد به توحید هم دچار مشکل است". (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۱۲/ ۳۳۴) معادباوری بعنوان ضمانت اجرای ارزش‌های اخلاقی در تجارت است. بنابر جهان بینی الهی، کیفیت زندگی در سرای آخرت بستگی به اعمال اختیاری انسان در زندگی دنیایی خود دارد. در منظومه فکری تاجر، با تکیه بر جهان بینی ترسیم شده در قرآن کریم، هرگز منافع دنیوی که دارای عمر کوتاه هستند و منجر به عذاب اخروی می‌شوند منفعت محسوب نمی‌شود؛ اما از سوی دیگر، سختی‌های دنیایی که در مسیر التزام عملی به ارزش‌های دینی برای تاجر رخ می‌دهد، ولی سعادت اخروی را در پی دارد منفعت هستند. پیش زمینه رفتار صحیح تاجر رسوخ باورها و اعتقادات دینی در وی است. بر مبنای آیات قرآن، سیر روش نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی بدین صورت تعریف می‌شود که ابتدا باید اعتقادات از طریق استدلال عقلی و علمی اثبات شود و سپس در تاجر رسوخ پیدا کند. در این حالت است که زمینه پذیرش صفات حسنه در تاجر ایجاد می‌شود.

۱-۳- روش‌های اثبات اعتقادات در تاجر (شکل ۱-۱)

۱-۳-۱- روش مشاهده ای (تجربی)

از روش‌هایی که می‌توان برای برای اثبات اعتقادات دینی (توحید و معادباوری) بهره برد روش مشاهده ای است. از منظر قرآن طبیعت نشانه توحید برای انسان است و بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می‌کند که نشان از تأکید بر لزوم استفاده از حس و مشاهده به عنوان یک منبع معرفت و شناخت است؛ ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود مانند توجه دادن انسان‌ها به آسمان و زیبایی‌ها و نظم و استحکام آن، دعوت به مشاهده نظام آسمان‌ها و زمین و مخلوقات. بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، بلکه منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است "مسلم در آفرینش آسمان‌ها و زمین و

در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است" (آل عمران، ۱۹۰) به همین دلیل مفاهیم انتزاعی باید در قالب حس به مخاطب تفهیم می‌شود. "پروردگار برای بیداری دل‌ها و پیمودن راه توحید و خداشناسی، دعوت به تأمل در مسأله نزول باران و زنده شدن زمین‌های مرده، توجه دادن انسان به مبدأ آفرینش، دعوت انسان به بازنگری دوباره غذا و چگونگی پدید آمدن آن و به صورت کلی دعوت به تأمل در پدیده‌های گوناگون هستی نموده است". (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳۰/۱) روش مشاهده‌ای با اقتباس از آیاتی است که انسان را دعوت به مشاهده سیر آفاقی می‌کند از جمله (و من آیاته خلق السماوات و الارض و...) (روم، ۲۲)، "أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَلْبَلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ" (غاشیه، ۲۰-۱۷). تمرکز در روش عینی بر اعتقاد و باور صحیح به مبدأ (توحید) و معاد است. در این نوشتار "مشاهده" به صورت "نگاه کردن صحیح و تفکر و تعقل در پدیده‌ها آنگونه که در طبیعت و روابط علت و معلولی یا روابط متقابل اتفاق می‌افتد" تعریف می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی خاستگاه مسائل اعتقادی در اسلام بر مبنای تفکر است (وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (ذاریات، ۲۱ و ۲۰) تأکید قرآن در نهادینه سازی مسائل اعتقادی دعوت به تعقل، تدبر و تفکر در کائنات هستی است. در این روش تاجر از امور محسوس به معقول و با اندکی تفکر و تنظیم زاویه دید از مخلوق به خالق می‌رسد.

از دیگر مواردی که به رعایت اخلاقیات و قانون در فرد و سازمان تجاری می‌انجامد، معادباوری و توجه به یاد مرگ است. قرآن مسأله امکان عقلی معاد را از راه‌های مختلفی اثبات می‌کند. از جمله استدلال‌های منطقی که در اعماق جان و روح انسان نفوذ می‌کند و نیز به صورت بحث‌های خطابی و تلقینات مؤثر و تکان دهنده، قرآن از حیات دوباره طبیعت یاد می‌کند؛ طبیعتی که در فصل زمستان می‌میرد و سبزی و شادابی خود را از دست می‌دهد، اما در فصل بهار دوباره زنده شده و جان دیگر می‌گیرد. "خداوند با دها را می‌فرستد که ابرها را برانگیزند، آنگاه آن را به سوی سرزمین مرده می‌رانیم تا زمین را پس از مرگش دوباره زنده کنیم" (روم، ۴۶). توصیف طبیعت و حیات دوباره آن یکی از نمونه‌های دیگر شگفتی‌های طبیعت در قرآن است (اعراف، ۵۷)، هدف از این توصیف مشهود، نشان دادن طبیعی حیات انسان پس از مرگ است. برای تاجر این سؤال می‌تواند مطرح شود که "چگونه پس از آن که تمام جسم انسان پوسید و متلاشی شد دوباره زنده می‌شود؟ آیا همان‌گونه طبیعت زمین پس از خزان و مرگ، دوباره حیات پیدا می‌کند او نیز دوباره حیات پیدا می‌کند؟ آیا خداوند همان گونه که شما را از آغاز آفرید باز نمی‌تواند بازگرداند؟" (کما بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ) (اعراف، ۲۹). معادباوری و توجه به یاد مرگ در قالب‌های هنری می‌تواند بصورت نمایشی از عذاب اخروی تاجرانی با صفات مذموم کم فروشی، ربا خور، دروغگویی و غیره، رعایت اخلاقیات و قانون در محیط کسب و کار را به دنبال داشته باشد.

آیاتی از قرآن رستاخیز «انرژی‌ها» را منعکس می‌کند: "خداوندی که از درخت سبز و شجر اخضر، آتش می‌آفریند قادر است که انسان‌ها را بعد از مرگ زنده کند" (یس، ۸۰) موقعی که چوب درختی را می‌سوزد و آتشی از آن به دست می‌آید، این حرارت و گرما همان انرژی و حرارت و نور آفتاب است که در طول سالیان دراز در آن ذخیره شده، تصور آن است که نور و حرارت مرده و نابود شده، اما در واقع، از نو جان می‌گیرد و لباس تازه‌ای از حیات در تن می‌پوشد. برای تاجر این سؤال می‌تواند مطرح شود که "آیا برای خداوندی که این قدرت را دارد که ده‌ها سال نور و حرارت آفتاب را در بدنه درختی ذخیره کند و در یک لحظه همه آنها را بیرون فرستد، تجدید حیات مردگان امر مشکلی است؟

مشاهده فیلم‌هایی از قبیل داستان خواب سیصد و نه ساله «اصحاب کهف» رستاخیز در خواب‌های طولانی را در تاجر تداعی می‌دهد؛ چنانکه قرآن بعد از شرح پیرامون خواب و بیداری آنها می‌فرماید (این چنین مردم را متوجه حال آنها کردیم تا بدانند وعده رستاخیز خداوند، حق است و در قیام قیامت تردیدی نیست) (کهف، ۲۱) قالب اجرای این روش می‌تواند با برنامه ریزی قبلی در یک اردو و نیز در حین انجام بازی مبتنی با سن و روحیات فرد اجرا شود. برای اثبات

معاد می توان بر اساس شرایط زمانی و مکانی با نشان دادن و تبیین فلسفه خواب زمستانی در بعضی حیوانات و حتی گیاهان، تغییر فصل ها و مواردی از این قبیل به آن پرداخت.

۱-۳-۲- **روش استدلالی:** در این روش تاجر با ارائه استدلال های عقلی و علمی از صورت ذهنی به تصدیق مفاهیم دینی دست پیدا می کند. مبنای این روش بر گرفته از آیه (لوکان فیهما الهه آلا الله لفسدتا) (انبیاء، ۲۲) "اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می شدند" است. "دلیلی که برای توحید و نفی الهه در آیه آمده است در عین سادگی یکی از براهین دقیق فلسفی در این زمینه است که دانشمندان از آن به عنوان "برهان تمنع" یاد می کنند، خلاصه این برهان را چنین می توان بیان کرد: "ما بدون شک نظام واحدی را در این جهان حکم فرما می بینیم، نظامی که در همه جهات هماهنگ است، قوانینش ثابت و در آسمان و زمین جاری است، برنامه هایش با هم منطبق، و اجزایش متناسب است. این هماهنگی قوانین و نظامات آفرینش از این حکایت می کند که از مبداء واحدی سرچشمه گرفته است چرا که اگر مبداءها متعدد بود و اراده ها مختلف، این هماهنگی هرگز وجود نداشت و همان چیزی که قرآن از آن تعبیر به "فساد" می کند در عالم به وضوح دیده می شد". (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶: ۳۸۲/۱۳) قالب آموزشی اجرای این روش می تواند سخنرانی، مباحثه، اجرای کارگاه آموزشی باشد. این روش به دو طریق الف) بکارگیری استدلال های عقلی؛ ب) بکارگیری استدلال های علمی برای مخاطب اجرا می شود.

الف) بکارگیری استدلال های علمی: بخشی از آموزه های قرآن در راستای نهادینه سازی اخلاق و رفتار پسندیده و نیز برحذر داشتن مسلمانان از رفتارهای ناپسند، با استدلال علمی است. برای مثال خداوند در آیاتی از قرآن مسلمانان را از شرب خمر و ارتکاب قمار منع می کند و بر حرمت این عمل تأکید می کند "در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است" (بقره، ۲۱۹) خداوند در این آیات ضمن تحریم شراب و قمار در فرایندی که از توصیه آغاز و به تأکید و تهدید ختم می شود، به ارائه دلایل علمی در این خصوص می پردازد. تفسیر امام رضا علیه السلام در مورد علت حرمت خمر این است «خداوند خمر را به دلالتی تحریم نمود، شراب موجب فساد می شود، عقل نوشنده را متغیر می سازد، آنها را به سوی انکار ذات احدیت و افتراء به او و رسولانش و نیز سایر مفاسد دیگر چون قتل، تهمت، زنا، بی حیائی نسبت به محارم، سوق می دهد. لذا ما حکم کردیم که هر مسکری و مست آوری، خرید و فروش و خوردنش حرام باشد، زیرا نتیجه همه انواع مست کننده ها یکی و همانند خمر است، بنابراین هر آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده و ما را دوست می دارد و مودّت ما را بخود نسبت می دهد، می بایست از هر مست کننده ای بپرهیزد که به یقین عهدی بین ما و بین شاربین آنها باقی نیست» (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۲۶۲/۲۷).

ب) به کارگیری استدلال های عقلی:

در آیات قرآن بکارگیری استدلال های عقلی برای اثبات توحید به طرق مختلف صورت گرفته است. در این مجال با بهره گیری از براهین (دلایل بدیهی) به اثبات توحید اشاره می شود. براهین و راه هایی که برای شناخت و اثبات وجود خداوند اقامه شده است، متعدد بوده و در آنها از روش های متفاوتی استفاده گردیده است. در یک دسته بندی کلی، این براهین را از جهت روش می توان به سه دسته تقسیم نمود: راه فطری، راه علمی و شبه فلسفی، راه فلسفی. برهان نظم را به عنوان یکی از اقسام راه علمی و شبه فلسفی می توان تلقی نمود (مصباح، ۱۳۸۴: ۳۶۵/۲)

۱. برهان نظم

برهان نظم یکی از براهین اثبات وجود خداوند است. در این برهان از مقدمه ای که حسی و تجربی است استفاده می شود. بدین معنا که از راه مطالعه حسی و تجربی واقعیات و مخلوقات خارجی طبیعی و مشاهده آثار و آیات الهی و به کارگیری آن در استدلال برهانی، به نتیجه و مطلوب دست می یابیم؛ از این رو است که برهان نظم، استدلال حسی و

تجربی محض نیست، بلکه پای عقل و مقدمه‌ی عقلی در میان خواهد بود (مصباح، ۱۳۸۴: ۳۶۷/۲) به تعبیر بعضی از بزرگان بررسی برهان نظم، مشهورترین دلیلی است که الاهیون بر وجود خداوند اقامه نموده‌اند (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۱۴/۸) همان دلیل و مسئله‌ی نظام موجودات (نظام متقن) است که با استفاده از آیه (صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ) (نمل، ۸۸) "خداوندی است که همه چیز را متقن آفرید" می‌توان با نام "اتقان صنع" از آن یاد کرد. صورت کلی برهان نظم را می‌توان چنین بیان داشت: "نظم موجود است، یعنی جهان منظوم (دارای نظم) است، و هر منظوم ناظمی دارد، پس جهان ناظم دارد." (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۹) وجود نظم و تدبیر نیز بدون ناظم و مدبّر ممکن نیست و هیچ عاقلی نظم را زائیده تصادف و اتفاق نمی‌داند. بنابراین عقل از روی ضرورت حکم می‌کند که نظم و تدبیر این جهان، گواه روشنی بر وجود مدبّری حکیم است "ما آیات خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان هویدا می‌کنیم تا آشکار شود که وجود خداوند حق است" (فصلت، ۵۳) هر موجود ممکن، آیه و نشانه‌ای از خداوند است. نظم زمان از جهت شب و روز و ایلاج یکی در دیگری در فصول مختلف و یا نظم زمین از جهت تأمین آرامش آن توسط کوه‌ها و غیره، از دیگر نمونه‌های نظم موجود در جهان طبیعت هستند. قرآن کریم به نمونه‌هایی از آیاتی اشاره می‌کند از جمله (و من آیاته خلق السموات و الارض ...) (روم، ۲۲ - ۲۵)؛ " (من آیاته ان یرسل الریاح میبشرات) (روم، ۴۶)؛ (افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت و...) (غاشیه، ۱۷ - ۲۱) که متذکر آیت‌ها و نشانه‌های خداوند و ناظم جهان هستی است. تاجر با مشاهده نظم و انسجام جلوه‌های خلقت که در طبیعت مشاهده می‌کند به اثبات خالق واحد و در نهایت به توحید می‌رسد.

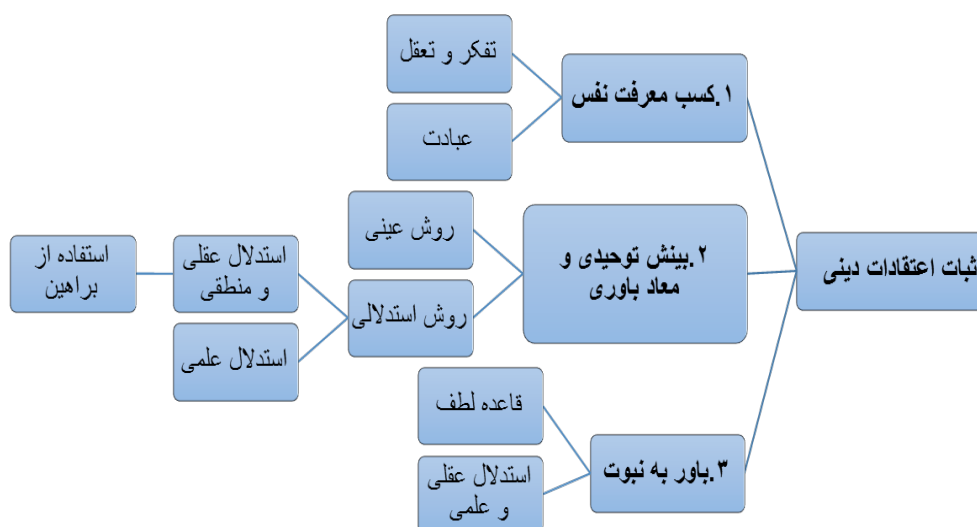
۲. برهان حرکت

یکی دیگر از براهین اثبات وجود خداوند برهان حرکت است. شهید مطهری محتوای کلی این برهان را چنین بیان می‌کند: "جهان دارای حرکت است. هر متحرکی نیازمند محرّکی (حرکت‌دهنده) است (اصل علیت). تسلسل در علت‌ها محال است. پس سلسله حرکات باید منتهی شوند به حرکت‌دهنده‌ای که خود ثابت بوده و دارای حرکت نیست" (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶۷/۱۱) محور اصلی این آیات معرفی محرّک واقعی و تأکید بر شناخت مبدأ فاعلی حرکت است؛ زیرا هیچ یک از پدیده‌های مذکور خود به خود متحرک نیستند و این کمال را از مبدأ فاعلی خود دریافت می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۶) برخی از آیات عبارتند از: وزش باد و بارش باران (اعراف، ۵۷)؛ حرکت آب‌ها (ملک، ۳۰)؛ عامل سیر تدریجی انسان از نطفه تا رشد اندام و تعلق روح به بدن (مؤمنون، ۱۴-۱۲) ویژگی مشترک براهین اثبات خدا، معادباوری و نبوت، کاربرد روش عقلی است؛ روشی که به عقیده برخی، یکی از بهترین روش‌ها برای اثبات مباحث بنیادی و اصلی دینی است. تمامی این استدلال‌ها، وابسته به ۱. اثبات اصل علیت؛ و ۲. باطل بودن دور؛ ۳. باطل بودن تسلسل هستند.

۱-۲-۳- باورمندی به شئون نبوت

نبوت شئون گوناگونی دارد از جمله هدایت مردم (بقره، ۲۳۱)؛ تعلیم و تزکیه (آل عمران، ۱۶۱)؛ برپایی عدالت (حدید، ۲۵)؛ الگوی حسنه برای مردم (احزاب، ۲۱)؛ منبع اخذ قوانین دینی مطابق با عدالت و فطرت (اعراف، ۱۵۷)؛ تشکیل حکومت دینی و سیاست الهی (آل عمران، ۲۳)؛ نساء، ۱۰۵). اجرای بسیاری از قوانین تجاری و جاری شدن اعتقادات دینی در سایه تحقق تشکیل حکومت دینی اجرایی می‌شود تا جلوی بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی گرفته شود. در این میان پای بندی تاجر به حکومت دینی و التزام عملی به قوانین حکومت دینی ضروری است. زیرا در این حالت است که زمینه ارتکاب رفتارهای مخالف قوانین دینی در تمام عرصه‌ها از جمله تجارت مانند احتکار، کم فروشی، بی انصافی تکاثر ربا از میان می‌رود. در ابتدا لازم است برای تاجر ضرورت نبوت از طریق ادله عقلی اثبات شود که به یک نمونه اشاره می‌شود.

در کلام اسلامی، اثبات ضرورت نبوت با اتکا به دلایلی از جمله قاعده لطف تبیین شده است؛ بر این اساس، "از آنجا که برای خداوند ضروری است که مکلف را به اطاعت از خود نزدیک و از گناهان دور سازد، بر خداوند واجب است که پیامبران را مبعوث سازد. در عرفان اسلامی، ضرورت نبوت با تکیه بر نگاهی آسمانی تبیین می‌شود که بر اساس آن، وجود انسان کامل در میان انسان‌ها ضروری است، پس نبوت ضروری است". (نصیری و همکاران، ۱۳۹۴) ضمن آنکه ادله عقلی که در ادامه برای اثبات توحید بیان می‌شود برای اثبات نیاز به باورمندی به شئون نبوت قابل استناد است. بر مبنای آیات قرآن از روش‌های زیر می‌توان برای اثبات اعتقادات دینی در تاجر بهره برد.



شکل ۱: داده نمای اثبات و تقویت عقاید دینی تاجر بر اساس آموزه های قرآنی

نتیجه گیری

در این نوشتار اثبات و تقویت عقاید دینی تاجر با رویکرد بهتر گزینی از آموزه‌های قرآن و با الهام از قالب‌های هنری مورد بحث قرار گرفت. بر مبنای آیات، سیر نهادینه سازی بدین صورت تعریف می‌شود: ابتدا باید اعتقادات از طریق استدلال عقلی و علمی اثبات شود و رسوخ پیدا کند. در این حالت زمینه پذیرش صفات حسنه در تاجر ایجاد می‌شود. گام اول در جهت دهی به اعتقادات صحیح در تاجر، کسب معرفت نفس (خودشناسی) به عنوان یکی از عوامل موثر تحولات مبادی فعل به خصوص انگیزش و در پی آن تحولات در افعال، تنظیم روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، دیگران و جهان هستی است. تفکر صحیح و عبادت خداوند دارای ارتباط دوسویه و از قطعات پازل دست یابی به معرفت نفس هستند به طوریکه نمی‌توان جدایی میان آن دو در نظر گرفت؛ هر چند که عبادت و معرفت نفس نیز با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.

کسب معرفت نفس توسط تاجر دارای آثاری است. تاجر با مراجعه به خویش، نعمت‌ها و دارایی‌هایش، به روشنی می‌داند آنچه خداوند از او خواسته، شکرگزاری نعمت‌ها و استفاده بهینه از امکانات و دوری از ظلم و فساد است. اگر تاجر فهمید که حقیقت او یک حقیقت غیرمادی است و زندگی و کسب و کارش منحصر در زندگی مادی نیست، جنبه

بقاء و میل به خدا و جاودانگی، جهت طبیعی و فطری خویش را پیدا می‌کند و علاقه او متوجه زندگی ابدی اش خواهد شد. در این هنگام حرام در کسب و کار (مرزها و قانونمندی های خداوند) را مراعات و راه حلال (راهی مشروع که می توان از آن به تجارت مشغول شد) را می پیماید. در مقابل اگر تاجر گمان کرد که وجود او همین وجود مادی و کسب و کارش منحصر در همین زندگی دنیوی است، میل به بقاء از راه طبیعی و فطری منحرف می‌شود و در نتیجه موجبات تعدی به حقوق مشتری فراهم می شود.

محصول خودشناسی صحیح تاجر، مقدمه کسب بینش توحیدی، معادباوری و باور به نبوت است. در گام دوم اثبات اعتقادات، تاجر پس از کسب معرفت نفس نیازمند بینش توحیدی (شناخت مبدأ و نسبت خود با خالق هستی) و معادباوری (شناخت مقصد و ترسیم مسیر سعادت در جهان هستی) است که با استدلال عقلی و علمی میسر می شود. گام سوم اثبات اعتقادات، باورمندی به نبوت و شئون آن است.

هنر در نهادینه سازی ارزش های دینی به عنوان یک واقعیت فرهنگی و یک ضرورت در روند تکامل دینی تاجر، می تواند به برقراری رابطه معنادار میان مفاهیم دینی، تحول در ساختارهای شناختی و انتقال یادگیری این مفاهیم بپردازد. در راستای نهادینه سازی ارزش های دینی (اعم از اعتقادات، صفات حسنه اخلاقی و احکام عملی) به استفاده یا تولید ابزارهای نظام نهادینه سازی پیشرو در فرایند شکوفایی و رشد مهارت های فکری و شناختی اشاره شد که می تواند به شکل گیری هویت دینی، هدایت تجار به سوی ارزش ها و در نهایت به رفتارسازی این ارزش ها در محیط تجارت کمک نماید. با توجه به نقشی که متولیان تربیت اخلاقی از جمله خانواده، آموزش و پرورش، مساجد، دانشگاه، حوزه علمیه، سمن ها، رسانه ها و غیره بر عهده دارند، تدوین اصول راهنمای عمل و روش مؤثر و متناسب با وضعیت فکری و دگرگونی های محیطی ضروری به نظر می رسد. این مهم، مستلزم تغییر رویکرد از روش آموزش محور به سمت تربیت محور در نهادهای متولی آموزش و پرورش کشور است.

منابع:

- قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه مکارم شیرازی. اسوه.
- احمدی، احمد، اصول و روشهای تربیت در اسلام، اصفهان، واحد فوق برنامه پنخس فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۴.
- ابن منظور (۱۳۷۴). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تبیین براهین اثبات خدا، نشر اسراء، چاپ پنجم.
- خسرو پناهی، عبد الحسین (۱۳۹۸). منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، چاپ یکم، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- رهنمایی، احمد (۱۳۹۸). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دارالعلم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۶). المیزان فی تفسیر القرآن. جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۶ ش.
- محدثی، جواد (۱۳۶۵). هنر در قلمرو مکتب، انتشارات سپاه، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار (۱۴۰۳). الجامعه لدرر اخبار الأئمه الإطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی مؤسسه الوفاء، مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید، چاپ اول، قم: دارالثقلین.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۶). تفسیر نمونه. دارالکتاب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). پیام قرآن. امام علی بن ابیطالب (ع).
- نصیری، محمد، نعمتی سیدجواد (۱۳۹۴). مقایسه ضرورت نبوت از منظر فلسفه و عرفان، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۴۱.

- Benedetto, R. and Thompson, K. (2013). Creating an optimal culture: the emergence of the entangled organization. *Employment relation today*, 13-19.
- Camp, R. C. (1998). 'Benchmarking: The Search for Industry Best Practices that Lead to Superior Performance,' ASQC Quality Press, Milwaukee WI